

مقصود فراستخواه

گاه و بی گاهی دانشگاه در ایران

مباحثی نو و انتقادی در باب

دانشگاه پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی



فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۶	بیان مسئله؛ گذر از تقدیرگرایی جدید ما
۲۱	فصل یکم: جامعه‌شناسی تاریخی دانشگاه
۲۱	شرایط امکان برای تأسیس اجتماعی دانشگاه
۲۲	لحظه‌ی تاریخی دانشگاه اروپایی؛ سپیده‌دمان
۲۴	۱. پویایی اجتماعی و تحول‌گفتمانی
۳۰	۲. از «دولت هم‌چون تصاحب» به «دولت هم‌چون اداره‌ی امور»
۳۱	۳. تحول در جهازات اجتماعی
۳۲	تأویل تاریخی دانشگاه در غرب
۳۵	فصل دوم: نظریه‌های دانشگاه
	نظریه‌های دانشگاه مدرن: کانت، هومبولت، نیومن، وبر، یاسپرس، کلارک کر،
۳۵	بورتون کلارک
۴۲	نظریه‌های انتقادی و پست‌مدرن آموزش عالی
۴۶	نتیجه؛ سیر جدالی نظریه و عمل در اروپا
۵۱	فصل سوم: تفاوت‌های جهان اسلام و جامعه‌ی ایران در باب تاریخت دانشگاه
۵۲	۱. نخبگان و نه نهادها
۵۵	۲. انتقال و بسط و نه تأسیس
۵۷	۳. خانواده‌ها و نه حرفه‌ها
۶۰	الگوهای تاریخی مدارس ما
۶۵	نتیجه؛ مدرسه نهادی مستقل نبود، تبعی بود

۶۷	فصل چهارم: مدل‌های آموزش عالی و دانشگاهی جهان اسلام در دوران معاصر
۶۷	مقدمه
۶۸	مدل ترکیه: اشاعه از طریق هم‌جواری و اصلاحات
۷۲	مدل مالزی، مستعمرگی و پیوستن به تقسیم کار جهانی
۷۴	مدل امارات متحده، رشد ترمینالی
۷۶	مدل ایرانی: مناقشات حل‌نشده‌ی نوسازی / اسلامی‌سازی
۷۷	مسیر نخست. نخبگان در زیست‌جهان ایرانی
۷۸	گذر از نظام مکتب‌خانه‌ای و سنتی دانش
۸۶	مسیر دوم. نخبگان در دولت
	تش‌های دانشگاه‌داشتن؛ از مدرسه‌ی سیاسی و دارالمعلمین عالی تا
۸۷	دانشگاه تهران
	فصل پنجم: از مدل خطی انتقال یا تسخیر و تصاحب علم تا مدل ساخته‌شدن
۹۵	اجتماعی و فرهنگی علم
۹۵	تعریف دو مدل
۹۷	تکوین فرهنگی و اجتماعی علم
۹۹	پنج انقلاب در تاریخ علم همه محتوای اجتماعی داشتند
۱۰۲	مدل‌های علم در ایران
۱۰۲	۱. مدل میزبانی و اکرام دانش در دوره‌ی باستان
۱۰۳	۲. مدل ترجمه و اقتباس و افزایش خلاق دانش در دوره‌ی میانی
۱۰۴	۳. مدل مستأجری دانش (بی‌خانمانی دانش در ایران)
۱۰۵	۴. مدل بی‌اعتنایی متصوفانه یا بی‌اعتمادی متشرعانه به علم
۱۱۰	۵. مدل صنعت تحت‌الشعاع صنعت
۱۱۱	۶. مدل تسخیر و تصاحب علم و فناوری
۱۱۲	۷. مدل ساخته‌شدن اجتماعی و فرهنگی علم
۱۱۵	فصل ششم: ما و چهار نسل دانشگاهی
۱۱۵	تش‌های نسل یک، نسل دو، نسل سه
۱۱۹	مورد مثال نسل اول دانشگاه‌آموزشی؛ دانشگاه‌های فرانسه: درس‌های دورکیم
	مورد مثال نسل دوم دانشگاه‌های پژوهشی؛ دانشگاه‌های آلمان: هایدلبرگ و
۱۲۴	هومبولت

۱۲۶	مورد مثال نسل سوم دانشگاه‌های کارآفرین: محور کمبریج-ام‌آی‌تی
	پدیده‌ی کمبریجی، سیلیکون فن و شبکه‌ی کارآفرینی دانشگاهی ام‌آی‌تی-
۱۲۹	کمبریج
۱۳۲	ملاحظه و تأملی مجدد در قصه‌ی نسل سوم دانشگاهی
۱۳۵	کشورهای در حال توسعه و نسل چهارم دانشگاه
۱۳۸	نسل چهارم؛ دانشگاه اجتماعی
۱۴۱	دانشگاه چندساحتی با تنوعات نسلی و تبادلات میان‌نسلی
۱۴۴	فایق آمدن بر اسکیزوفرن آکادمیک
۱۴۵	۱. ساختار و اختیارات
۱۴۶	۲. سازمان کار و مدیریت
۱۴۷	۳. ارزش‌های سازمانی
۱۴۷	۴. مأموریت
	۵. کارویژه‌های دانشگاهی از قبیل آموزش، پژوهش و خدمات دانشی
۱۴۸	به جامعه
۱۵۱	۶. استاد و دانشجو
۱۵۱	۷. برنامه‌ها
۱۵۳	فصل هفتم: نخستین نسل دانشگاه آموزشی و ما
۱۵۳	بحثی در آموزش دانشگاهی و برنامه‌ی درسی با نگاهی به ایران
۱۵۴	وضع آموزش در دانشگاه‌های ما
۱۵۷	ناهم‌زمانی نظام آموزشی و انسان‌های آموزش
۱۵۹	برنامه‌ی درسی پنهان
۱۵۹	مدل کلاس‌ها
۱۶۰	مدل سخنرانی
۱۶۱	مدل حقیقت
۱۶۲	مدل باورهای معرفتی
۱۶۳	شرایط امکان برای آموزش علوم انسانی و اجتماعی
۱۶۵	تحول در اکوسیستم یادگیری
۱۶۹	ابعاد تحولات در اکولوژی برنامه‌ی درسی
۱۷۱	چگونه می‌توان برنامه‌ی درسی آینده را توضیح داد؟

- ۱۷۱ از نظریه‌ی میدان بورديو تا نظریه‌ی کنش گر شبکه
- ۱۷۳ برنامه‌ی درسی پیش روی ما و فردا
- ۱۷۶ دو سویه‌ی شبکه‌های مجازی اجتماعی
- سویه‌ی اول: شبکه‌های مجازی اجتماعی؛ آگاهی دهنده، رهایی بخش،
- ۱۷۷ مشارکت ساز و پلورال هستند
- سویه‌ی دوم: شبکه‌های مجازی اجتماعی سرگرم کننده، وهمناک، فریبنده
- ۱۷۸ و وانمود شوندند
- شبکه‌ی اجتماعی مجازی، راه حلی برای رهایی ما هستند اما خود نیز
- ۱۷۹ بخشی از مسئله‌اند
- ۱۸۰ ترازهای تازه‌ای از دانشگاه ایرانی در راه است
- ۱۸۳ فصل هشتم: مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه
- ۱۸۴ دانشگاه و سفارش‌های خاموش اجتماعی
- ۱۸۶ سرمشق‌های غالب دانشگاه در ایران
- ۱۸۷ گره خوردن دانشگاه به دیوان سالاری دولتی و پی آمدهای آن
- ۱۸۹ راه‌های برون شدن
- ۱۹۳ فصل نهم: دانشگاه چگونه اداره بشود؟
- ۱۹۳ سه الگوی بدیل برای اداری دانشگاه
- ۱۹۴ اداری هیئت امنایی دانشگاه
- ۱۹۷ اصل پایه در اداری هیئت امنایی دانشگاه، مفهوم «بسته‌ی اجتماعی» است
- ۲۰۷ فصل دهم: دانشگاه چگونه تأمین مالی، و آموزش عالی چگونه توزیع می شود؟
- ۲۰۷ خصوصی سازی در آموزش عالی و پولی شدن دانشگاه
- ۲۱۱ پولی شدن دانشگاه‌ها و نابرابری‌ها در آموزش عالی
- ۲۱۸ اثر ماتیو
- ۲۲۱ فصل یازدهم: اقلیم علم و منظومه‌ی اجتماعی لازم برای علم
- ۲۲۱ ۱. درختینگی / جنگلینگی
- ۲۲۲ ۲. جرم/ وزن
- ۲۲۶ اقلیم علم یعنی چه؟ چگونه علم، وزن اجتماعی و اقتصادی پیدا می کند
- ۲۲۸ گسترش بدقواره، ناموزون و ناپایدار آموزش عالی
- ۲۲۹ خطای سیاست گذاری در نظام علمی و آموزش عالی

- ۲۳۵ جریان مشکل در گسترش ناموزون آموزش عالی چیست؟
- ۲۳۹ مروری کوتاه در نشان‌گرهای گسترش آموزش عالی
- ۲۴۵ نخست. فاصله با وضع مطلوب شاخص در کمیت آموزش
- ۲۴۵ دوم. نابرابری
- ۲۴۶ سوم. اشتغال
- ۲۴۶ چهارم. کیفیت
- ۲۴۷ چه باید کرد؟ یافته‌های پژوهشی نویسنده
- ۲۴۸ گفتمان‌ها
- ۲۴۹ اصول پایه‌ی سیاستی
- ۲۵۱ سیاست‌های کلی
- ۲۵۵ فصل دوازدهم: تأملی کوتاه درباره‌ی رشد علمی ایران
- ۲۵۵ ما و رتبه‌بندی‌های جهانی
- ۲۵۷ تبلیغات و مبالغات گمراه کننده درباره‌ی رشد علمی
- ۲۶۲ آیا دانشگاه یعنی کارخانه‌ی تولید مقاله؟
- ۲۶۵ فصل سیزدهم: زندگی علم، تجربه‌ی علم‌ورزی و اخلاقیات علم
- ۲۶۵ ریشه‌ی مشکلات اخلاقی در علم کجاست؟
- ۲۶۷ از وظیفه‌ی سازمانی تا کنش علمی؛ از اخلاق علمی تا اخلاقیات علم
- ۲۶۹ دسته‌بندی نه «تا»یی در زندگی علمی و مسئولیت‌های اخلاقی آن
- ۲۷۷ نگاه محاسبانه یا نصیحت‌نامه‌ای به اخلاق در علم و فناوری
- ۲۸۰ اخلاق آکادمیک، تهی شدن خود و مسئله‌ی فرسایش
- ۲۸۳ نتیجه
- ۲۸۴ فضیلت‌های درونی در کنش علمی و در آکادم
- ۲۸۹ «خواندن»، مورد مثالی از کنش علمی
- ۲۸۹ خوانش اسکولاستیک
- ۲۹۱ خوانش عقل ابزاری
- ۲۹۱ خوانش تفهیمی
- ۲۹۲ خوانش هرمنوتیک
- ۲۹۳ خوانش انتقادی و رهایی بخش
- ۲۹۵ ملاحظاتی در باب خواندن در نظام دانشگاهی ما

فصل چهاردهم: تحولات نوپدید در فرهنگ و فضای دانشگاه؛ تأملی در نسل‌های

۲۹۹	پنج‌گانه‌ی دانشجوی و استاد
۲۹۹	فضای یک، فضای دو، فضای سه
۳۰۲	فضاهای سیطره و فضاهای اقتضایی
۳۰۴	سنخ‌شناسی پنج نسل ایرانی
۳۰۴	۱. نسل اول: نسل کهنه سربازان
۳۰۵	۲. نسل دوم: نسل بومر (Baby boomers)
۳۰۶	۳. نسل سوم: نسل X
۳۰۶	۴. نسل چهارم: نسل Y یا هزاره (millennium)
۳۰۷	۵. نسل پنجم: نسل Z یا نت
۳۱۰	ریخت‌شناسی نسلی دانشجوی و استاد ایرانی
۳۱۰	۱. نسل مشروطه و «دانشگاه نسل یک» پاریس
۳۱۱	۲. نسل ناسیونالیسم ایرانی و «دانشگاه نسل یک» کلمبیا و برکلی و استنفورد
۳۱۱	۳. نسل نوسازی و رشد نابرابر و ناموزون؛
۳۱۲	۴. نسل انقلاب اسلامی؛ دانشگاه آموزشی نسل اول فاقد کیفیت
۳۱۳	۵. نسل پس‌انقلاب
۳۱۵	بحث
۳۲۰	نتیجه‌گیری
۳۲۷	منابع

پیش‌گفتار

به نظر می‌رسد شواهد و استدلال‌های زیادی لازم نخواهد بود اگر بگوییم دانشگاه و علم در جامعه‌ی «دانش‌بنیان»، بیش از هر زمان دیگر، جریان اصلی تعیین‌کننده‌ی برای آینده‌ی این سیاره شده است؛ خصوصاً در جامعه‌ی در حال‌گذار، مانند ایران، که در کار ساخته‌شدن است و در تب‌وتاب تجدد و تحول و توسعه است و قضایای دشوار معاصریت آن به‌شدت موکول است به وضع علم، به مرجعیت دانش و به جایگاه دانشگاه و نقش اجتماعی دانشگاهیان. اکنون میلیون‌ها نفر از جرم جمعیتی ما را دانشجویان و دانش‌آموختگان تشکیل می‌دهند و بیش‌تر خانوارهای ایرانی حتی در دوردست‌ترین مناطق، دست‌کم یک نماینده و گاهی چند نماینده از این جمعیت دارند. حقیقتاً دشوار خواهد بود که بدون فهم سوانح دانشگاه در ایران، و بدون تحلیل دقیق مسائل آموزش عالی در این سرزمین، بتوانیم توضیح رضایت‌بخشی از بسیاری از روندهای کنونی جامعه‌ی ایرانی و احتمالات آتی آن بدهیم.

نویسنده با همین طرز نگاه بود که مطالعات علم و آموزش عالی را جزو برنامه‌ی پژوهشی خود قرار داده است. در این کتاب شمه‌ای از این مباحث در چهارده فصل سامان یافته و تقدیم شده است، به این امید که با ملاحظات خوانندگان و نقد صاحب‌نظران سهمی ناچیز در افق‌گشایی‌های تازه برای «مسئله‌ی ایران» برعهده بگیرد.

صمیمانه از مدیر محترم انتشارات آگاه، جناب آقای حسین خانی، و همه‌ی همکاران خوب ایشان سپاس‌گزاری می‌کنم که با دقت و حوصله‌ی همیشگی به فراهم آمدن و نشر این دفتر یاری مؤثر رسانده‌اند.

بهار ۱۳۹۶

مقصود فراستخواه

مقدمه

دانشگاه گاه‌وبی‌گاه شده یعنی چه؟ اطلاع چندانی نیست که در آغاز چه کسی نخستین بار کلمه‌ی فارسی دانشگاه را در ازای واژه‌ی اروپایی یونیورسیتیه ابداع کرد. خود واژه‌ی اصلی از universitas لاتین به معنای کلیت، جامعیت، سپهر و عالم است. به معنای اجتماع استادان و دانشمندان^۱ است. در تاریخ هشتادساله مشروحاً آورده‌ام که ایرج حسابی فرزند محمود حسابی در کتابی با عنوان *استاد عشق* روایاتی می‌کند که محمود حسابی واژه‌ی دانشگاه را بار اول پیشنهاد کرد و این زمان پیشنهاد تأسیس بود، وی حکمت (وزیر فرهنگ) را ترغیب کرد، و حکمت صدیق را، تا رضاشاه را به‌سختی برای ایجاد این نهاد متقاعد کنند (فراستخواه، ۱۳۹۳ الف). چندین توجه سیاسی نیز دست‌وپا شد مانند این که ایجاد یک دانشگاه در کشور از رفتن بچه‌ها به خارج بهتر است و یا نظارت بر آن راحت‌تر است از نظارت بر مدارس عالی متعدد در این جا و آن جا و این که همه چیز شهر تهران نوسازی می‌شود پس این عمارت را هم از جمله لازم دارد و این قبیل دلایل، تا پس از پنج شش سال سرانجام شاه موافقت کرد. به هر حال، هر کس هم این ابتکار را انجام داده باشد انصافاً واژه‌ی مناسبی از آب درآمده است. «دانش به‌علاوه‌ی گاه» فحوای نهادین خوبی دارد و نزدیک است به آن ریشه‌ی لاتینی که طبق آن دانشگاه برای خود یک عالمی است، جهانی است، سپهری است، فضایی است، مکان مکینی است، جامعیتی دارد، جایگاهی دارد.

در پیشینه‌ی دانشگاه، وقتی به سده‌های دوازده و سیزده اروپا (دانشگاه بولونیا،